

مکتبہ ملکہ سلمہ
ریڈنگ روم
روپرٹر کتابخانہ
لائبریری
کتابخانہ
لائبریری
کتابخانہ
لائبریری
کتابخانہ

ATL No.
2-B77-971-09-AVP
لائبریری
لائبریری
لائبریری
لائبریری
لائبریری
لائبریری
لائبریری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

لِأَمْرِ رَادِيَ الشَّمْمٰنِ

کیو مرث مرزا بن



جَنَاحَاتُ الْمُهَاجَرَةِ
نَلَجَ بِهِ ثَبَرَيَّ
يَعْصِيَهَا وَالهُنَّ مُلْكٌ وَلَكَ
يَعْصِيَهَا وَهُنَّ لِأَدْعَى
يَلْعَبُهَا وَلَكَ

877-6-697-971-09-AVP
dec-2014/12/22-11:38:54


وَكُلُّ هُنَّ عَلٰى حِلٰى
www.farseshanqoof.com
www.farseshanqoof.ir

که آدم برای عشق زندگی می‌کند | و حتی اگر به یقین عشق را در مرگ
می‌جوید | باید مرگ را زندگی کند | تا بتواند زندگی کند | اما در هر
حال، این کتاب این داستان نشد | خودش شد | خود واقعی‌اش | ولی خود
واقعی‌اش چیزی غیر از این داستان نمی‌گوید.

مقدمه

این کتاب در ادامه‌ی کتاب عزیزجان است | منتها ابتدا قرار نبود بدین شکلی
که الان هست باشد.

قرار بود داستان در مورد مردی باشد که عاشقانه زنی را دوست داشت | اما
بنابر دلایلی جدا می‌شوند.

جدایی و بی‌وفایی‌های زن | مرد را ناراحت می‌کند و باعث می‌شود تا مدت‌ها
نتواند به هیچ زن دیگری فکر کند.

برایش موردهای بسیاری پیش می‌آید | ولی با هیچ‌کس نمی‌تواند پیش برود |
طوری که فکر می‌کند بیمار شده‌است و به روان‌پزشک مراجعه می‌کند...
اما یک شب در خواب زن رؤیاهاش را می‌بیند | زن رؤیاهاش همان
عزیزجان است | منتها این‌بار باوفاتر و مهربان‌تر...

فردای آن شب بار دیگر آن زن را می‌بیند | رفته‌رفته هر شب آن زن را
می‌بیند و تمام رؤیاهاش عاشقانه‌اش را در خواب با آن زن تجربه می‌کند...
کمی بعد شکل زندگی مرد عوض می‌شود و هدفش برای زندگی کردن
خوابیدن می‌شود و برای خوابیدن و کمتر بودن به هر روشه دست می‌زند تا
بتواند در خواب با زن رؤیاهاش باشد...

در آخر تصمیم می‌گیرد خودش را بکشد تا برای همیشه بتواند با زن
رؤیاهاش باشد.

ولی این‌جا مردن یا نمردن مرد صحبت من نیست | صحبت من این است